

عطار نیشابوری

شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری، از بزرگان مشایخ تصوف ایران در قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری است. وی در سال ۵۳۷ هجری در قریه (کدکن) نیشابور به دنیا آمد؛ و چون در آن شهر به دارو فروشی و عطاری اشتغال داشت، بدین لقب معروف شد.

عطار در دکان دارو فروشی به درمان بیماران می پرداخت و به کسب علوم و درک صحبت مشایخ و بزرگان اهل تصوف مانند: شیخ نجم الدین کبری و دیگران نیز روزگار می گذراند. در این راه آنقدر پیش رفت که خود از پیشوایان این طریقت گشت و مقامش بجائی رسید که مولانا جلال الدین محمد بلخی (مولوی) درباره او گفت:

هفت شهر عشق را عطار گشت
ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

عطار در سال ۶۲۷ هجری در فتنه مغولان در نیشابور به قتل رسید. درباره کشته شدن او بدست مغولان داستانهائی نقل کرده اند.

عطار در داستان سرائی به مراتب چیره دست تر از سنائی است، در آثار عطار میتوان یک نوع سیر تکاملی درونی را به وضوح مشاهده کرد که در مورد شاعران دیگر نادر است.

تألیف ها و تصنیف های عطار را در نظم و نثر به عدد سوره های قرآن ۱۱۴ دانسته اند و معروفترین آنها عبارتست از:

دیوان قصیده ها و غزل های او که در حدود ده هزار بیت است. دیگر الهی نامه، خسرو نامه، پندار نامه، اسرار نامه، مصیبت نامه، و از مثنویهای بسیار مشهور او منطق الطیر است که نزدیک به هفت هزار بیت دارد و مراتب سیر و سلوک و رسیدن بحق و توحید را از زبان مرغان که در طلب سیمرغ حرکت می کنند، بیان میدارد و هفت منزل، طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فنا را در آن شرح میدهد.

سرمشق عطار در این کتاب به نحو اکمل «رسالة الطیر» مثنوی، غزالی است که آن را با «منطق الطیر» از مشاجره بین انسان و حیوان که رساله معروفی از اخوان صفاست در آمیخته و علاوه بر آن از «سیر العباد الی المعاد سنائی» نیز سود جسته است.

از تألیف های مهم شیخ عطار به نثر فارسی «تذکره الاولیاء» است، که آن را در سال ۶۱۷ هجری تألیف کرد. در آن شرح حال و اقوال و کرامت های نود و شش تن از پیشوایان طریقت تصوف و عارفان بزرگ را به نثری ساده و شیوا نگاشته است.

شیخ عطار از شاعران بزرگ و از عارفان نامی ایران است که مقام معنوی و تأثیر وجود او در تاریخ تفکر معنوی ایرانیان بسیار با اهمیت و در خور توجه و دقت می باشد.

جامی در نفحات الانس آورده است که جلال الدین رومی (بلخی) گفته: « نور منصور (حسین بن منصور حلاج) بعد از صد و پنجاه سال به روح فریدالدین عطار تجلی کرد و مربی او شد.»، این نکته را مؤلفان هفت اقلیم و بستان السیاحه و سفینه‌الاولیاء و خزینة‌الاصفیاء و روز روشن نیز آورده اند.

شیخ فریدالدین عطار نیشابوری یکی از حاملان بزرگ فلسفه اشراق بوده است و غزل معروف: «مسلمان من اگر گیرم که بتخانه بنا کردم»، وی نیز مؤید این نظریه می باشد. بدیهی است، شهادت شیخ شهاب الدین یحیی سهروردی فیلسوف بزرگ ایرانی در سال ۵۸۷ هجری که شیخ عطار در آن موقع پنجاه سال داشته است، در روحیه وی بسیار مؤثر افتاده و کتاب اسرارنامه را که در آن میگوید:

ز بس معنی که دارم در ضمیرم خدا داند که در گفتن اسیرم

ز ما چندان که گویی ذکر ماند ولیکن اصل معنی بکر ماند

با آگاهی بر واقعه دل خراش مرگ شیخ اشراق در آن عصر سروده است. برخی گفته اند که کتاب مصیبت نامه را نیز تحت تأثیر همین واقعه تأثر انگیز به نظم در آورده است. در پایان شرح حال او غزل معروف مورد بحث در بالا که حاوی اشارات عرفانی و فلسفی و نکته های روشن ارتباط و هم بستگی فکری و بی گیری در یافتن رگه های طلایی فلسفه اشراق در ایران بعد از اسلام است نقل میشود:

مسلمانان من آن گیرم که بتخانه بنا کردم شدم بر بام بتخانه درین عالم ندا کردم

صلای کفر در دادم شما را ای مسلمانان که من آن کهنه بتها را دگر باره جلا کردم

از آن مادر که من زادم دگر باره شدم جفتش از آنم گبر میخوانند که با مادر زنا کردم

به بگری زادم از مادر از آن عیسیم میخوانند که من این شیر مادر را دگر باره غذا کردم

اگر "عطار" مسکین را درین گبری بسوزانند گوه باشید، ای مردان که من خود را فدا کردم